



رجوع به مراجع حل اختلاف اعم از مراجع قضایی، شبه قضایی یا غیرقضایی، مکانیسمی است که با توسل به آن می‌توان امید به احیای حقوق از دست رفته یا در معرض تضییع داشت. در این میان مراجع قضایی، (دادگاه‌ها و مراجع رسیدگی‌کننده تحت حاکمیت یک دولت) از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. کارآمد بودن سیستم قضایی از عوامل مؤثر در انگیزش سرمایه‌گذاران خارجی به انتقال سرمایه خویش به کشور دیگر است و اگر سرمایه‌گذار خارجی این اطمینان خاطر را نداشته نباشد که حقوق او به نحو مؤثری مورد حمایت قرار خواهد گرفت، رغبت و تمایل او به سرمایه‌گذاری نیز کم‌رنگ خواهد شد.

این واقعیت را باید پذیرفت که از دستگاه قضایی ایران در دو دهه اخیر، چهره مطلوبی در صحنه بین‌المللی ترسیم نشده و این دستگاه نتوانسته است کارآمدی خود را به‌ویژه در مقولات تخصصی حقوق تجارت داخلی و بین‌المللی و نیز حقوق صنعتی به اثبات برساند. درحالی‌که امروزه به علت سرعت و تخصصی بودن امور تجاری، به تعبیر بعضی از استادان، حتی دستگاه‌های غذایی سالم نیز نمی‌توانند از کارایی مطلوب و لازم برخوردار باشند و صنعت و تجارت به‌سوی نهادهای شبه قضایی و داوری‌ها روی آورده‌اند. اینکه سرمایه‌گذار خارجی به عملکرد دستگاه قضایی ما در ارائه یک دادرسی صحیح علمی

و بی‌طرف خوش‌بین باشد، امری است که با واقعیت‌های موجود ممکن و منطبق به نظر نمی‌رسد.

در اغلب موارد طرف خارجی اصولاً مایل به طرح دعوا در دادگاه‌های ایران نیست و طرف ایرانی نیز از طرح دعوا در دادگاه‌های خارجی کراهت دارد. علل این بی‌میلی طرفین تا حدود زیادی مربوط به ناآشنایی با قوانین معمول کشورهای خارجی، کندی کار دادگاه‌ها و جانب‌داری آن‌ها از یکی از طرفین دعوا، مشکلات موجود در راه اجرای احکام و غیره است. طرف‌های خارجی قطعاً نمی‌پذیرند که در قراردادهای خود با دولت ایران چنین بندی آورده شود: «به شرط رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هرگونه اختلاف یا دعاوی ناشی از این قرارداد به داوری ارجاع خواهد شد». تفاسیر متعددی که از اصل ۱۳۹ قانون اساسی ارائه شده است، بیش از آنکه ناشی از ابهامات قانونی باشد، ناشی از اختلافات در بینش و نحوه تلقی از سرمایه‌گذاری خارجی در ایران است.

در ماده ۱۹ قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی سه روش برای حل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده است که این روش‌ها در طول هم قرار دارند: روش نخست این است که در موافقت‌نامه دوجانبه سرمایه‌گذاری، در مورد نحوه رسیدگی به اختلافات توافق شود

که معمولاً این شیوه، همان داوری است. در روش دوم با توسل به مذاکره اقدام به حل و فصل موضوع می‌شود و روش سوم این است که اگر امکان توسل به داورش اول مفقود یا بدون نتیجه بود به دادگاه‌های داخلی کشور رجوع شود.

### نتیجه‌گیری

به نظر می‌آید برای کارآمد کردن نظام سرمایه‌گذاری خارجی لازم است با توافق کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه یا کمتر توسعه‌یافته و با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و حقوقی و توأم با تأمین فضای مطمئن و با ثبات یک راهکار جهانی در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی اتخاذ شود.

قوانین موجود و به‌ویژه قانون تجارت و قوانین مربوط به حوزه حقوق مالکیت معنوی ناقص یا فرسوده و مستلزم اصلاح و تکمیل است. از زاویه حقوقی گرچه قانون جدید حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۳۸۱ بعد از ۴۱ سال اصلاح و تصویب شد اما آنچه برای سرمایه‌گذاری خارجی اهمیت دارد این است که امنیت سرمایه‌اش در هر حالتی از جنبه‌های مختلف تضمین شده باشد. در قوانین فعلی کشور در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی با موانع و نارسایی‌های مختلفی مواجه هستیم که لازم است اصلاح شوند.